

روایات ساواک و شهربانی از کتاب کشف اسرار

❖ میثم آقادادی

نشر و فروش کتاب کشف اسرار وضعیتی متفاوت با دیگر کتب داشت که در این نوشتار با استناد به اسناد ساواک و شهربانی به گوشه هایی از این وضعیت خواهیم پرداخت:

۱. مجرم بودن نویسنده و جرم خرید و فروش کتاب: علاوه بر توضیح المسائل امام خمینی، نامه‌ها و پیام‌ها و غیره، کتاب کشف اسرار نیز توسط پیروان امام چاپ و منتشر شد. انتشار این کتاب در سال ۱۳۴۳ هـ.ش موجب شد ساواک از شهربانی تقاضا کند که از توزیع و فروش آن جلوگیری به عمل آورد. در سال ۱۳۴۶ هـ.ش که مجدداً این کتاب در برخی شهرها، مانند تهران و قم و آذربایجان مشاهده شد، دستور مجدد جمع‌آوری و شناسایی موزعین صادر شد و فروشندگان کتاب تحت بازجویی، قرار گرفتند. [1]i

۲. **سخنی‌های حفظ و فروش کتاب:** جلوگیری از توزیع و فروش کتاب توسط شهربانی در سال ۱۳۴۳، موجب شد مقلدان و طرفداران امام خمینی برای دریافت، خرید و فروش و حفظ کتاب، بسیار در تنگنا باشند، به نحوی که یکی از فروشندگان این کتاب، بر اساس آنچه در سند ساواک آمده است «کتب مذکور را در مغازه در زیر تختی که خودش روی آن می‌نشیند، بین کتاب‌های کهنه دیگر جا داده است. مشاراً الیه جلد اصلی کتابها را کنده، در عوض جلد مقوایی برای آنها درست کرده، تا کسی بلافاصله متوجه نام کتاب نشود، ضمناً شخص موصوف، این کتاب را به افراد مورد اطمینانش می‌فروشد». در روز بعد از اینکه یک نیروی ساواک، یک جلد آن کتاب را از کتابفروشی صابری خریده بود «مغازه وی با انجام تشریفات قانونی بازرسی شد و تعداد ۵ جلد کتاب از کشف اسرار ۴۲۸ صفحه‌ای بدون جلد، به تاریخ چاپ (۱۵ ربیع الثانی ۱۳۶۳) که تقریباً ۲۵ سال قبل [از سال ۱۳۴۶] چاپ شده و نویسنده آن مشخص نیست و مفاد آن برخلاف مصالح کشور بوده، بدست آمده، آقای صابری اظهار می‌دارد: کتاب‌های مذکور از قدیم در کتابخانه وی بوده، فقط یک جلد از آن را به یک محصل علوم دینی به فروش رسانیده و ۳ جلد از کتاب‌ها را نیز به این ساواک تحویل نموده است که به پیوست تقدیم می‌گردد...» [2]ii در سال ۱۳۵۱ تلاش‌های ساواک و شهربانی معطوف به شناسایی چاپخانه‌ها و دست اندرکارانی که مرتبط با کتب و عکس‌های امام بودند، شد.

۳. کمبود شدید کتاب: علاوه بر اینکه اگر کسی کتاب کشف اسرار را نزد خود نگهداری می‌کرد، مجرم شناخته می‌شد، این کتاب در ایام محمدرضا شاه مخلوع، بسیار کمیاب بود و هم چنان هم به خاطر دلایلی نظیر حفظ وحدت شیعه و سنی کمیاب است. گرچه میتوان با دسته بندی جوابهای امام خمینی و توضیح آنها این کتاب را از غربت در آورد

در سند ساواک آمده است: «...[فردی] اظهار می‌دارد: کتب مذکور را به علت اینکه قریب ۱۵ سال است در کتابفروشی‌ام می‌باشد، دقیقاً نمی‌دانم در چه موقع و از چه کسی خریداری نموده‌ام. ضمناً اضافه می‌نماید که کلیه کتاب‌های مغازه را از کتابفروشی‌های معتبر تهیه نکرده، بلکه اغلب از افرادی که کتاب‌هایی می‌خرند و پس از مطالعه به فروش می‌رسانند، من هم بیشتر از این کتابها [را] خریداری و سپس به فروش می‌رسانم. iii [۳]

۴. زیارت در عراق و آوردن کتاب به ایران: از آنجایی که هر اقدام کوچکی که با امام خمینی(ره) و یاران ایشان مرتبط بوده، برای ساواک مهم تلقی می‌شده است، لذا حتی شایعاتی را هم که درباره امام بوده است، دقیقاً در

گزارش‌های خود منعکس کرده‌اند. از جمله در سند شماره ۲۰/۲۳۴ هـ ب به تاریخ ۴۹/۳/۱۹ که درباره تالیفات آیه الله خمینی است، می‌نویسد: «در بین عده‌ای از افراد بازاری شایع است، آیه الله خمینی علاوه بر تألیف کتاب کشف اسرار، دو کتاب دیگر یکی به نام «انقلاب سرخ» و دیگری «انقلاب سیاه» بر وزن کتاب انقلاب سفید تألیف نموده است و در نجف نیز به چاپ رسانیده و اکثر زائرینی که به عراق بروند و یا در مسیر از عراق عبور کنند، کتب مزبور را تهیه و با خود به ایران می‌آورند». [4]iv

۵. به چالش کشیدن روحانیون سیاست گریز: در زمان حضور آیه الله حائری، امام خمینی (ره) نه از موضع رهبری بلکه از موضع فردی مذهبی، معتقد به تفکیک ناپذیری دیانت از سیاست بوده است، و علی رغم داشتن نظرات سیاسی که گاه آن را با استادان و دوستان خود مطرح می‌کرد، خود را تابع ریاست حوزه می‌دانست و از آنچه ریاست حوزه انتظار داشت، گامی فراتر برنمی‌داشت. همچنین تا زمانی که علمای باسابقه‌تری همچون شهید مدرس و مرحوم کاشانی در صحنه‌های سیاسی کشور حضور داشتند، ایشان حمایت از افکار آنان را وظیفه خود می‌دانست، اما پس از شهریور ۱۳۲۰ و اشغال کشور توسط متفقین، متوجه شدند که سیاست‌گریزی برای بسیاری از علما به صورت ارزش درآمده است، لذا نگارش کتاب کشف اسرار را از این زاویه نیز باید مورد توجه قرار داد، چنانچه وقتی کتاب منتشر شد، بی‌آنکه روحانیون سیاست گریز را به واکنش منفی علیه سیاسی شدن علمای حوزه بکشاند، آنان به حمایت از این کتاب، اقدام کردند و به شاگردان خود توصیه می‌نمودند، آن را بخوانند و حمایت آنان از چنین کتابی یک گام مهم برای ورود دوباره علما به سیاست بود. [5]v

۶. سند مبارزاتی امام: هنر امام در سیاست آن بود که میدانست باید چه موضوعاتی را از چه وجوهی بپردازد تا با کمترین چالش بین خودی‌ها، عدم مشروعیت اجنبی و رژیم وابسته به آن را به چالش جدی بکشاند، لذا یکی از مهم‌ترین اسناد مبارزاتی امام با رژیم پهلوی، کتاب کشف اسرار است که به وضوح، عدم مشروعیت چنین رژیمی را بیان داشته است. در سندی از ساواک آمده است، «به علوم جدید و سیاست روز هم آشنایی زیادی دارد و در سال‌های ۲۳ و ۲۴ کتابی علیه اعلیحضرت فقید نوشته است. همیشه اهل مبارزه و سیاست بوده، پنج سال قبل [از تاریخ ۱۳۴۲] رساله نوشته و در مقام مرجع تقلید قرار گرفته و پیروانی هم داشته است.» [6]vi در سند دیگری به تاریخ ۲۵/۵/۲۳ [که به تاریخ شاهنشاهی نگاشته شده است] سی و چهار مورد از اقدامات و فعالیت‌های خلاف مصالح مملکتی روح الله خمینی، ذکر شده است که در مورد ۱۸ آن، آمده است: «نامبرده در یکی از تالیفات خود به نام کشف اسرار مطالبی علیه رژیم ایران، نوشته است.» [7]vii اطلاعیه‌ای به تاریخ ۴۵/۶/۲۴ حاکی است که طبق اطلاع واصله از تهران، اخیراً کتاب کشف اسرار نوشته خمینی، چاپ بغداد، مخفیانه در دسترس علما گذاشته می‌شود [8]viii و فروش کتاب‌های حکومت اسلامی و کشف اسرار امام در اصفهان نمونه‌ای از فعالیت‌های طرفداران امام به شمار می‌آید. [9]ix ساواک، حتی مشخصات کامل مغازه‌هایی را که به فروش کتب امام مبادرت می‌ورزیدند، به اطلاع مافوق خود می‌رساند. [10]x

۷. پاسخ‌گویی به شبهات: به دلیل شرایط بد امنیتی، نامه‌هایی را که امام خمینی، برای افراد می‌فرستادند و هم چنین نامه‌هایی که افراد برای امام می‌فرستادند، با اسم مستعار بوده است. در تاریخ ۵۳/۲/۱ نامه‌ای درباره زندگی‌نامه امام خمینی (ره) به نام سید محمد موسوی - که نام مستعار آقای سید جواد مهری است - به کویت ارسال می‌گردد. در قسمتی از بخش دوم این زندگی‌نامه امام آمده است: «از آنجا که معظم له در علوم عقلیه، فرد شاخص و منحصر به فرد حوزه علمیه قم بودند، تنها پاسخ‌گوی مشکلات و شبهات عقلی نسبت به اسلام به شمار

می‌رفتند و اگر کسی نسبت به مسائل دینی، اشکالی داشت و برای حل آن به قم مراجعه کرد - با اینکه علماء زبردست و طراز اول مانند مرحوم آیه الله خوانساری را به حضور امام خمینی راهنمایی می‌کردند ... و آنروز که کتاب سفسطه آمیز «اسرار هزار ساله» منتشر شد، نظر به اینکه مطالب کتاب، مربوط به مسائل عقلی بود، برای رد آن از طرف علماء قم، به معظم له مراجعه شد و با اینکه مدتی بود به درد چشم مبتلا بودند، قادر به مطالعه و نوشتن نبودند، به ایشان اصرار شد که به نحوی هست به این کتاب منحرف جواب گویند. شگفت‌آور اینکه وقتی معظم له در مقام نوشتن رد آن کتاب برآمد و کشف اسرار را تألیف فرمود، به طور اسرارآمیزی، درد چشم برطرف شد، به طوری که گویا اصلاً عارضه‌ای وجود نداشته است. [11]xi

۸. علت آزاد گذاشتن چاپ کتاب: فضای عمومی ایران در اواخر سال ۵۶ و ذکر نام امام در هر تجمع و از سوی دیگر ناتوانی دستگاه‌های اطلاعاتی و انتظامی در جلوگیری از چاپ رساله و تألیفات امام، برخی کارشناسان ساواک را به این نتیجه رساند که در این خصوص تجدید نظر کنند. سندی در تاریخ ۵۶/۱۱/۸ حاوی نظر کارشناسی مبنی بر آزاد گذاشتن چاپ کتاب کشف اسرار و رساله امام است، با این توجیه که کتاب کشف اسرار از نظر تحلیلی، سطحی و از نظر هر روشنفکری مردود است و توضیح المسائل ایشان نیز تفاوتی با دیگر رساله‌ها ندارد. [12]xii

۹. بی‌اعتبار خواندن کتاب توسط رژیم: اتهام ارتجاعی بودن به نهضت‌های اصیل دینی، یکی از شگردهای همیشگی عوامل رژیم پهلوی بوده است که هر گاه با احکام نورانی اسلام مواجه می‌شدند، با برچسب ارتجاعی و عقب افتاده، سعی می‌کردند اندیشه‌های نجاتبخش اسلامی را در نظر جامعه «مشوّه و تاریک» جلوه دهند.

در یکی از اسناد ساواک آمده است: «خمینی در سال‌های دهه ۷۰ - ۱۳۶۰ قمری کتابی به نام کشف اسرار نوشته است که مطالبی درباره کشف حجاب نحوه تشکیل دولت و از این قبیل دارد. این کتاب از نظر تحلیلی، بسیار سطحی و از نظرات کهنه و فتووالی می‌باشد و امروز از نظر هر روشنفکری می‌تواند مردود باشد و همینطور توضیح المسائل وی که با دیگر توضیح المسائل‌ها تفاوتی از نظر مباحث و فتاوا ندارد، در حالی که توقیف آن باعث بزرگ شدن وی و اهمیت پیدا کردن این رساله نزد خیلی‌ها شده است. در صورتی که عرضه آن به تدریج به مردم حالی خواهد کرد که او هم از قماش همان آخوندهای دیگر است و بس و نکته این است که با مراجعه به این کتابها، چنانچه قبلاً صلاح بر نشر آنها باشد، در معرفی نظرات ارتجاعی وی مخصوصاً به روشنفکران، بی‌تأثیر نخواهد بود».

در واقع دفاع از اسلام و احکام آن که در کتاب امام آمده است، از دید مأمورین ساواک، ارتجاعی، سطحی و کهنه و فتووالی بوده است که از دید روشنفکران غربزده (که ارتجاعی‌ترین مقررات ضد زن و حقوق انسانی را دارند) مردود است. این فخر امام بود که با تکیه بر اصالت‌های اسلام، انقلاب خویش را علیه ارتجاع وابسته به غرب سامان داد و دست‌یادی غرب را از کشور ایران قطع کرد. [13]xiii

۱۰. هدف از جمع‌آوری کتاب: سرتیپ مقدم درباره این کتاب می‌گوید: در سال ۴۳ این کتاب در ساواک مورد بررسی [قرار گرفت] و چون طرفداران خمینی، تبلیغاتی روی این کتاب می‌نمودند، لذا نه از لحاظ مضرّه بودن این کتاب، بلکه از لحاظ اینکه روی خمینی تبلیغ می‌گردید، با شهربانی کل کشور مکاتبه [شد] تا کتاب مذکور را جمع‌آوری نمایند. [14]xiv

۱۱. چگونگی ارتباط با چاپخانه و کتابفروشی‌های مرتبط با کتب امام: ساواک از هر گونه اقدام مستقیمی که منجر به شناسایی منبع شود، خودداری کرد. منبع، فرد جاسوسی بوده که برای ساواک کار می‌کرده است. مثلاً در دستور

مقامات ساواک آمده است که به منبع آموزش داده شود تا با تماس دائم با خریدار و فروشنده سعی نماید، محل چاپ کتاب مزبور را تعیین نماید. [15] xv

۱۲. مقایسه تأثیر کتاب کشف اسرار و کتاب شهید جاوید: یکی از عوامل ساواک در تاریخ ۱۳۳۶/۴/۲۲ به ملاقات شیخ یحیی انصاری رفته و به او گفته است که: «به همین زودی، عازم عتبات می‌باشم، اگر امری دارید، بفرمایید. گفت از قول من به آقای خمینی بگویید: عده‌ای زیر پوشش علاقمندی به شما از مرام وهاب‌گیری ترویج می‌کنند. به آنان می‌گویم: آقای خمینی از چهل سال قبل، با تألیف کتاب کشف اسرار با وهاب‌گیری مبارزه کرد. آنان در جواب می‌گویند: این کتاب نوشته ایشان نیست و عده‌ای از آنان هم می‌گویند: آقای خمینی در این جهت تغییر عقیده داده‌اند. خلاصه آن که به آقا عرض کنید که اینها با زیارت عتبات، با محافل روضه خوانی و سایر مقدسات مبارزه می‌کنند و برای من هم، نامه‌های تهدیدآمیز می‌نویسند و به داخل منزل می‌اندازند. من در تبعیدگاه به مراتب راحت‌تر از قم بودم. هم اکنون سخت در اذیت و آزار این عده وهابی مسلک، می‌باشم. مختصر آنکه عده‌ای که از ابراز علاقه به ساحت مقدس شما می‌کنند، مستقیماً ترویج از مرام وهاب‌گیری، مارکسیستی و ضد دینی می‌کنند. از آقا تقاضا کنید، نظر مبارک خویش را به این موضوع معطوف دارند». در نظریه یک شنبه که ذیل این گزارش خیلی محرمانه ساواک نوشته شده است، آمده است: «شیخ یحیی انصاری یکی از مدرسین طراز اول حوزه و از طرفداران سرسخت خمینی است که مدت سه سال تبعید بوده. منظور وی از افرادی که ترویج وهاب‌گیری می‌کنند، همان طرفداران کتاب شهید جاوید می‌باشند که عمدتاً خود را وابسته به خمینی می‌دانند. از زمانی که مارکسیست‌های اسلامی چهره واقعی خود را که همان ایدئولوژی کمونیستی است، آشکار کردند، بین روحانیون طرفدار نیز دو دستگی ایجاد شده. عده‌ای منحصرأ مذهبی و طرفدار خمینی هستند، از قبیل انصاری، و عده‌ای دیگر، از مارکسیست‌ها طرفداری می‌کنند، مانند طرفداران شهید جاوید. بطوری که از مفاد گزارش برمی‌آید، دسته اول در صدد برآمدند، تا [امام] خمینی را از قضیه آگاه سازند، تا چاره‌ای بیندیشد، زیرا معتقدند انتساب این عده به [امام] خمینی از نظر متعصبین مذهبی، باعث شکست وی خواهد بود و بعید هم نیست که این زمینه مؤثر واقع بشود و خمینی در این زمینه اعلامیه‌ای بدهد.» در نظریه شنبه نیز در ذیل گزارش آمده است: «انصاری، طرز فکرش با سایر انقلابیون از قبیل ربانی شیرازی، مشکینی و منتظری تفاوت فاحش دارد و دل خوشی از آنان ندارد و لذا مخالفتش را با شهید جاوید ابراز کرده بود. در نظریه دوشنبه که در تقسیم طرفداران امام خمینی (ره) نسبت به کتاب شهید جاوید، نظری مخالف نظریه یکشنبه می‌دهد، آمده است: «کتاب شهید جاوید مورد تأیید و نمایانگر نظریات طرفداران خمینی و مورد مخالفت عده‌ای دیگر از روحانیون و طلاب می‌باشد که نویسندگان آن را متهم به وهاب‌گیری می‌نمایند. لکن چنین به نظر می‌رسد که اکثریت قریب به اتفاق طلاب و روحانیون اعم از به اصطلاح انقلابیون طرفدار شهید جاوید و فشریون مخالف کتاب مذکور در مخالفت با کمونیسم و ماده پرستی اتفاق نظر دارند». [16] xvi کتاب شهید جاوید نوشته آیت الله نعمت صالحی نجف آبادی می‌باشد که به نظر می‌رسد وجه تمایز و عامل اصلی افتراق مباحث کتاب را کتاب‌هایی که پیرامون امام حسین نوشته شده بود، در مورد ماهیت قیام حسینی می‌باشد. از جمله کسانی که به صورت مفصل و تخصصی، مباحث کتاب شهید جاوید را مورد نظر قرار داده است، استاد بزرگوار شهید مطهری می‌باشد. ایشان در قسمت یادداشت‌های حماسه حسینی، ذیل مبحث یادداشت ماهیت قیام حسینی، موضوع امر به معروف و نهی از منکر و موضوع دعوت مردم کوفه و عامل بیعت را به عنوان ماهیت قیام بررسی می‌کنند و همچنین نظر صحیح را هم بیان می‌کنند. [17] xvii هم چنین استاد مطهری تا صفحه ۲۱۵ از کتاب شهید جاوید را حاشیه زده‌اند که متن آن در کتاب حماسه حسینی قسمت یادداشت‌ها آمده است. امام خمینی نیز با دید رهبری و جامع نگرانه‌ای که داشتند، این کتاب را مود نقد قرار

دادند و حداقل چهار مورد در سخنرانی‌ها و پیام‌های خود، آن را تذکر داده‌اند. امام خمینی(ره) در نامه‌ای به سید احمدآقا در مورد کتاب شهید جاوید می‌نویسند: شما در اختلافات بین طلاب و اهل منبر راجع به کتاب [شهید جاوید] و هر چیزی دیگر وارد نشوید؛ ان شاء الله خداوند اصلاح می‌فرماید. [18] xviii

امام خمینی اگر چه در مورد محتوای کتاب شهید جاوید، مطلبی ارائه نمی‌کنند و هم چنین در مورد انگیزه و هدف نویسنده از نگارش کتاب، سخنی به میان نمی‌آورند، لکن نسبت به سوء استفاده‌هایی که از این کتاب توسط رژیم پهلوی صورت می‌گرفت پرده برداشتند. امام در بیان ترفندهای رژیم شاه برای ایجاد اختلاف در جمع و عاظ تهران می‌فرماید: «از سابق اینطور بود که قبل از ماه رمضان و قبل از ماه محرم - که وقت یک نتایج اسلامی بود - در همان رژیم سابق شما اگر توجه کنید به این قضایایی که پیش آمده، ببینید اینها چه وقت پیش آمده. یک قصه یک وقت می‌بینید درست شد. شهید جاوید. آقا، این منبری، آن منبری، آن منبری، آن محراب در سطح کشور، همه حرف‌ها شهید جاوید بود! شهید جاوید چی بود که این قدر داد بکنید؟ برای چی؟ نزدیک محرم می‌شد، می‌دیدند که اگر این قوه‌ها با هم باشد و یک وقت نکند که توجه بکنند به رفتاری‌های خودشان، توجه بکنند به آن که گرفتارشان کرده، شهید جاوید را پیش می‌آوردند. ما هم غفلت از مسائل روز و از مسائل سیاسی، همه به جان هم می‌افتادیم. همین قم تمام وقتش را صرف کرد سر شهید جاوید تا تمام شد. بعد که تمام شد، حالا یک وقت دیگر نزدیک دارد می‌شود، آقای [سید ابوالحسن] شمس آبادی را پیش کشیدند! شاید هم خودشان کشیدند تا پیش بیاورند. بعد، این هم یک خرده‌ای کم شد، [علی] شریعتی را پیش کشیدند، هی دامن بزن! از این رو تکفیر، از آن ور تمجید. هر دو طایفه غافل از اینکه، کی دارد کلاه سرشان می‌گذارد...» [19] xix تقریباً تمام ماه رمضان را یک دسته اشکال می‌کردند، یک دسته‌ای رفع اشکال می‌کردند، یک دسته‌ای فحش می‌دادند و یک دسته‌ای به این طرف فحش می‌دادند. آنها هم کنار نشسته بودند به ریش‌ها می‌خندیدند که اینطور ما اینها را ملعبه کردیم! [20] xx و اعلیحضرت با کمال آرامش اموال این ملت را خورد و سلطه خویش را تحکیم کرد بر آنها! آقایان هم، همه متحفظند [به خاطر سپرده اند] که کجای کتاب شهید جاوید چی چی نوشته، کجایش چی چی نوشته...» [21] xxi

بررسی تأثیر کتاب بر اساس اسناد شهربانی

بطور کلی مجموع اسناد شهربانی که در مورد فعالیت‌های امام خمینی است حدود یک سوم اسناد ساواک می‌باشد. برای نمونه به یک مورد اشاره می‌شود:

در مورد چاپ و انتشار کتاب مذکور در تبریز، از اداره دومی مورخ ۱۳۴۵/۲/۳ اطلاعیه‌ای به این مضمون می‌رسد: «حاج میر رحیم فردوسی... اظهار می‌داشته: کتاب کشف اسرار... هم اکنون در بازار به فروش می‌رسد و این کتاب در کتابفروشی حقیقت واقع در بازار شیشه‌گر خانه و کتابفروشی سروش به مبلغ دوپست ریال به آشنایان فروخته می‌شود. اگر آشنایی کامل با این کتابفروشی‌ها داشته باشید، می‌توانید کتاب مزبور را خریداری نمایید، از این راه هم کمکی به بودجه نهضت می‌شود و هم دارای یک کتاب عالی خواهید شد.» [22] xxii

[۱]i سیر مبارزات امام خمینی در آیین اسناد به روایت ساواک، (۱۳۸۶) تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ اول، ج ۱۶، صص ۲۵ و ۴۲۵ سند شماره ۲۲۴/۸۱۹۶ - ۴۶/۳/۱۵

[۲]ii همان، ج ۱۶، ص ۴۴۹

[۳]iii همان، ج ۱۶، ص ۴۵۵

[۴]iv همان، ج ۱۸، صص ۵۰۲ و ۵۰۵

[۵]v همان، ج ۱، ص ۳۴

[۶]vi همان، ج ۲، ص ۲۱۹

[۷]vii همان، ج ۸، ص ۲۰۷

[۸]viii همان، ج ۹، ص ۳۴

[۹]ix همان، ج ۹، ص ۴۵

[۱۰]x همان، ج ۱۰، ص ۱۸۰

[۱۱]xi همان، ج ۱۱، ص ۴۷۴

[۱۲]xii همان، ج ۱۲، ص ۵۳ و ج ۱۵، ص ۱۳۷

[۱۳]xiii همان، ج ۱۵، ص ۱۳۷

[۱۴]xiv همان، ج ۱۴، ص ۵۹

[۱۵]xv همان، ج ۱۴، ص ۲۳۲

[۱۶]xvi همان، ج ۷، صص ۴۷۵ و ۴۷۴

[۱۷]xvii مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹) حماسه حسینی، صدر، چاپ بیست و هشتم، جلد دوم (یادداشت‌ها) صص ۱۰۹-۱۲۱

[۱۸]xviii موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۹) صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ سوم، ج ۲، ص ۱۸

[۱۹]xix همان، ج ۸، صص ۵۳۴ و ۵۳۳

[۲۰]xx همان، ج ۷، ص ۴۰۹

[۲۱]xxi همان، ج ۴، ص ۲۳۶

[۲۲]xxii امام خمینی در آیین اسناد شهربانی، (۱۳۸۳) تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ اول، ج ۳، ص ۴۸۱